



نشریه دانشجویان هوادار سازمان چریکیهای فدائیان خلق ایران در خارج از کشور

سال پنجم آذر ۶۵ دسامبر ۸۶ شماره ۴۸

**اتحاد مقدس:**

**آمریکا، اسرائیل، ایران**



## در این شماره

۲ • اتحاد مقدس امیرالمسلم، صهیونیسم و جمهوری اسلامی برعلا صد

۷ • اخبار ایران

۱۱ • اخبار جهان

۱۶ • اخبار جنبش دانشجویی


۱۷ • وضعیت اقتصادی رژیم

۱۹ • وضعیت ناسامان پناهندگان در ترکیه

۲۱ • نظامی به پیش نویس قانون کار

۲۴ • آناتولی لوناچارسکی  
جانانان سوفت و  
« داستان یک بلم »

۲۲ • شرکت زنان السالوادور  
در انقلاب

۳۸ • فرهنگ فشرده واژه‌های روز  


۴۱ • دنباله‌ای بر مقاله شاعر بودن، شاعر شدن

۴۸ • شعر



۵۱ • از خوانندگان



راد نو سازمان جبهه‌های فدائی خلق ایران

موج کوتاه ردیف ۷۵ متر

همه روزه ساعات

۶/۵ بامداد، و ۱۲/۵ و ۸/۵ بعد از ظهر



صدای فدائی  
برای تماس با  
پانسانی زیرمکاتبه کنید:

A.C.A.

B.P. 43

94120 Fontenay-sous-Bois  
France.

### یادواره به خون‌تپیدگان



## اتحاد مقدس امپریالیسم، صهیونیسم و جمهوری اسلامی بر ملا شد

ایرلندی و در لباس خدمه‌ی هواپیما و به طور ناگهانی به ایران آمده بود. او در ادامه‌ی این داستان‌سرایی مضحك گفت که مك فارلین و همراعاتش به مدت پنج روز در ایران تحت نظر بودند و سپس از ایران اخراج شدند! این داستان خنده‌آور ممکن است

تنها مورد پذیرش عقب مانده‌ترین حامیان رژیم قرار گیرد، وگرنه هر انسان با اندك شعوری می‌داند که آمریکا به هیچوجه و تحت هیچ شرایطی بدون قرار و مدار قبلی افراد بسیار مهمی چون مك فارلین را به ایران نمی‌فرستد. از سوی دیگر مك فارلین و ریکان اظهار داشته‌اند که هیات آمریکایی در مدت اقامت خود در ایران در هتل استقلال تهران (هتل هیلتون سابق) اقامت داشته است و هیچگونه بد رفتاری با آنان نشده است.

\* \* \*

حال ببینیم علت فاش ساختن سفر پنهانی مك فارلین به تهران به وسیله‌ی هفته‌نامه‌ی "الشراع" چه بوده است. آنچه مسلم است باید منبع بسیار مهمی این خبر را در اختیار "الشراع" گذاشته باشد. چگونه این مساله تنها از طریق تحلیل تضادهای جناحهای رژیم جمهوری اسلامی قابل توضیح است.

تقریباً يك هفته پیش از افشای دیدار هیات آمریکایی از ایران در هفته‌نامه‌ی "الشراع"، روزنامه‌های جمهوری اسلامی اعلام کردند که فردی به نام مهدی هاشمی و "تعدادی از مرتبطين با او" دستگیر شده‌اند. مساله‌ی دستگیری این افراد آنقدر

مشهور است در شماره‌ی ۳ نوامبر ۸۶ خودنوشت که طی يك ملاقات سری بین سران رژیم جمهوری اسلامی و مك فارلین در تهران، رژیم جمهوری اسلامی پذیرفته است که در ازای دریافت اسلحه از آمریکا برخی از گروهانهای آمریکایی در لبنان را آزاد کند.

خبرگزاریهای جهان بلافاصله این خبر غیر منتظره را به سراسر دنیا مخابره کردند. رادیوی بی‌بی‌سی بخش فارسی نیز در همان شب این خبر را منعکس ساخت. بدیت ترتیب هم مقامات آمریکایی و هم سران رژیم جمهوری اسلامی، که توانسته بودند روابط مخفیانه‌ی خود را برای يك مدت بسیار طولانی از دید همگان پنهان نگهدارند، دستشان کاملاً رو شد و مخفی نگهداشتن این رابطه دیگر غیر ممکن بود.

بلافاصله در روز بعد، یعنی در ۴ نوامبر (۱۳ آبان)، هاشمی رفسنجانی که از برملا شدن این راز پنهان کاملاً دستپاچه شده بود، برای جلوگیری از صدمات این رسوایی بزرگ دست به کار شد و تلاش ورزید با داستان‌سرایی مضحکی این رویداد را وقیحانه به گونه‌ای دیگر جلوه دهد.

او ضمن تایید سفر هیات آمریکایی به تهران، مدعی شد که هیچگونه مذاکره‌ای بین سران رژیم و هیات آمریکایی انجام نگرفت. رفسنجانی همچنین برای راضی نگهداشتن "حزباله"، که طبعاً از معامله‌ی سری امامشان با "شیطان بزرگ" بور شده بودند، با بی‌شرمی تمام ادعا کرد که هیات آمریکایی بدون هیچ قرار و مدار قبلی و با پاسپورت جعلی

رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی به‌راستی یکی از فریبکارترین و وقیح‌ترین رژیمهای سراسر تاریخ است. رژیمی که تا منز استخوان به امپریالیسم آمریکا وابسته است، فریبکارانه خود را ضد امپریالیست معرفی می‌کند و حتی پس از برملا شدن این وابستگی به طور گم‌ترده، وقیحانه منکر آن می‌شود.

به دنبال افشای سفر محرمانه‌ی مك فارلین، مشاور پیشین امنیت ریکان، به تهران و دیدار او با سران رژیم جمهوری اسلامی، مطبوعات و رسانه‌های گروهی غرب در طول چند هفته‌ی اخیر جنبه‌های گوناگون روابط سری و ممتد رژیم با امپریالیسم آمریکا و دولت صهیونیستی اسرائیل را بازگو کردند و حقایق بسیاری در این زمینه آشکار شد.

البته نیروهای انقلابی ایران بنا به ماهیت سرمایه‌دارانه‌ی رژیم جمهوری اسلامی در مورد وابستگی این رژیم به امپریالیسم جهانی هیچگاه تردیدی نداشته‌اند و در گذشته بارها جنبه‌های گوناگون این وابستگی را افشا ساختند. بنابراین خود خبر روابط سری رژیم با آمریکا و اسرائیل تازگی ندارد، و آنچه مهم است ابعاد باور نکردنی این روابط و تایید مستقیم آن به وسیله ریکان رئیس جمهور آمریکا است.

\* \* \*

خبر سفر مخفیانه‌ی مك فارلین و هیات همراه او به تهران را برای اولین بار يك هفته‌نامه‌ی لبنانی به نام "الشراع" فاش ساخت. این هفته نامه که به طرفداری از رژیم سوریه

مهم بوده است که شخص خمینی مستقیماً مجبور به نخالت در آن شده بدین ترتیب که ری شهری، وزیر اطلاعات رژیم، در تاریخ ۴ آبان نامه‌ای به خمینی نوشت و ضمن اعلام دستگیری عاشمی و مرتبطین او و شمردن بخشی از اتهامات آنان (از جمله قتل و آدم ربایی پیش از ویس از پیروزی انقلاب، همکاری با ساواک و جز اینها) از او خواست که "با توجه به جوسازیهایی که از باقی ماندگان این گروه در جهت تخریب اذهان" انجام می‌گیرد، نظر خود را اعلام دارد.

خمینی که معمولاً در چنین مواردی صریحاً از افراد نام نمی‌برد، به دلیل اهمیت موضوع در پاسخ به نامه ری شهری مستقیماً از "افراد ضدانقلاب و منحرف و وابسته به مهدی هاشمی" نام می‌برد و آنان را منحرف از انقلاب و اسلام می‌خواند و خواستار تعقیب و مجازات آنان و افراد دیگری که "در انتشار مسایل کذب و قضایای دیگر دست داشته‌اند"، می‌شود.

اهمیت موضوع دستگیری مهدی هاشمی و مرتبطین او در این است که دستگیرشدگان از نزدیکان آیت‌اله منتظری‌اند و در سپاه پاسداران عمیقاً نفوذ دارند. مهدی هاشمی مسئول واحد نهضت‌های رعایی بخش سپاه پاسداران بود و برادرش عادی هاشمی، داماد منتظری که او نیز در زندان بسر می‌برد، رئیس دفتر منتظری است. علاوه بر اینان تعدادی از نمایندگان مجلس از جمله احمد کاشانی، فرزند آیت‌اله کاشانی و نماینده نطنز در مجلس ارتجاع و کاندیدای ریاست جمهوری در دوره پیش، دستگیر شدند. گروه هاشمی ظاهراً مسئول ربودن ایازالمحمود کاردار سفارت سوریه در تهران در روز ۱۱ مهر است.

با توجه به مطالب فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که گروه هاشمی از جریان روابط سری سران رژیم جمهوری اسلامی با آمریکا اطلاع داشته است

و از مدتها پیش اطلاعاتیها و شبنامه هایی در این مورد انتشار می‌داده است (که خمینی در پاسخ به نامه ری شهری از آنها به عنوان "انتشار مسایل کذب" نام می‌برد). در این اطلاعاتیها به ویژه از شخص رفسنجانی به عنوان طراح اصلی ایجاد رابطه با آمریکا اسم برده می‌شود. رفسنجانی برای ساکت کردن اینان با موافقت خمینی دستور دستگیری‌شان را صادر می‌کند. دوستان مهدی هاشمی که ضربه‌ی سختی متحمل شده بودند، برای تضعیف رفسنجانی و جناح او خبر سفر پنهانی ملک فارلین به تهران را در اختیار هفته‌نامه‌ی "الشراع" گذاشتند و بدین ترتیب راز بزرگ آشکار شد.

تنها پس از انتشار این خبر در هفته‌نامه‌ی "الشراع" بود که در ابتدا رفسنجانی و سپس سران دیگر رژیم مجبور شدند مساله را بازگو کنند. اگر تضادهای جناح‌های رژیم وجود نمی‌داشت، شاید برای مدتها هم دولت آمریکا و هم دولت جمهوری اسلامی می‌توانستند این رابطه را مخفی نگه‌دارند.

\* \* \*

انعکاس روابط سری ایران و آمریکا در رسانه‌های گروهی آمریکا به گونه‌ای دیگر بود. در روز یکشنبه ۲ نوامبر مطبوعات آمریکا گزارش دادند که یکی از کروگان‌های آمریکایی به نام جاکوبسن که برای مدتها در لبنان در اسارت گروه "جهاد اسلامی" بوده است، آزاد شده است. قابل توجه اینکه این خبر درست در آستانه‌ی برگزاری انتخابات مجلس آمریکا منتشر شد و ریگان که هیچ انتظار نداشت روابط سری‌اش با ایران آشکار شود، از این مساله برای پیروزی حزب جمهوری خواه در انتخابات بهره‌برداری کرد.

در روز ۳ نوامبر روزنامه‌های آمریکا به نقل از هفته‌نامه‌ی "الشراع" نوشتند که آزادی جاکوبسن در ازای ارسال سلاح‌های آمریکایی به ایران

صورت گرفته است. ریگان و سخنگویان کاخ سفید در ابتدا عکس‌العملشان سکوت مطلق بود و اظهار می‌داشتند که حرفی برای گفتن ندارند. شاید تصور می‌کردند که گزارش یک نشریه‌ی کمپان لبنانی نتواند افکار عمومی آمریکا را تخریب کند.

\* \* \*

ولی پس از اینکه سفر پنهانی ملک فارلین به ایران به وسیله‌ی رفسنجانی هم در روز بعد تایید شد و در مطبوعات آمریکا انعکاس یافت، مساله در آمریکا بسیار جدی تلقی گردید و هم‌اکنون پس از گذشت تقریباً چهار هفته هنوز مساله‌ی روز است. در این مدت مطبوعات آمریکا گوشه‌های دیگری از روابط پنهان آمریکا و ایران را آشکار ساختند و حقایق بیشتری روشن شد.

در هفته‌ی اول دولت ریگان شدیداً تحت فشار قرار گرفت تا چگونگی مساله را توضیح دهد. روزنامه‌ها و سخنگویان حزب دموکرات ریگان را متهم می‌کردند که از يك سو اعلام می‌دارد با "تروزیستها" مذاکره نمی‌کند، ولی از سوی دیگر برای آزادی کروگان‌های آمریکایی با دولت ایران به مذاکره نشسته است و حتی سلاح‌هایی را نیز به عنوان باج داده است. مخالفان همچنین ریگان را متهم می‌کردند که قوانین آمریکا مبنی بر تحریم صدور اسلحه به ایران را نقض کرده است. همچنین مطرح می‌شد که آمریکا به این ترتیب نفوذ خود را در بین دوستان اروپایی‌اش از دست می‌دهد و دیگر کسی حرف‌های ریگان را در مورد مبارزه با تروزیسم جدی نمی‌گیرد. در این مدت همچنین بین نزدیکان ریگان اختلافاتی پیش آمد و مثلاً شولتز، وزیر امور خارجه‌ی آمریکا، مخالفت خود را با سیاست‌های ریگان صریحاً اعلام داشت.

ریگان در مقابل فشارهای افکار عمومی سرانجام لب به سخن کشود و به دفاع از سیاست خود در مورد ایران

برخواست. او صریحا اظهار داشت که به منظور تجدید روابط دوستانه با رژیم جمهوری اسلامی از ۱۸ ماه پیش دستور مذاکرات سری و تحویل اسلحه به ایران را صادر کرده بود. ریگان هرگونه معامله با رژیم برای آزادی کوهکوهها را رد کرد و اعلام داشت هدف ما از نزدیکی با ایران به خاطر منافع استراتژیک آمریکا بوده است. او همچنین گفت که در ابتدا مقامات ایرانی از طرق مختلفی به اطلاع دولت آمریکا رساندند که خواهان مذاکره و تجدید رابطه اند. ریگان تاکید کرد که او پس از مطمئن شدن از چراغ سبز مقامات ایرانی، دستور آغاز مذاکره با ایران را صادر کرد و به علت حساسیت مساله و اینکه روابط سری با ایران نباید تحت هیچ شرایطی برملا شود، آن را از چشم کنتره‌های آمریکا دور نگه داشت.

استدلال ریگان در مورد ضرورت برقراری ارتباط با رژیم جمهوری اسلامی بسیاری از مخالفان دوراندیش او را آرام ساخت. و اتفاقا بسیاری از سیاستمداران معروف آمریکا همچون برژینسکی، کیسینجر، ریچارد علمز (سفیر سابق آمریکا در ایران)، ویلیام کولبی (رئیس سازمان سیا در زمان نیکسون و فورد) و همچنین رهبران حزب دموکرات و مطبوعات آمریکا این جنبه از سیاست ریگان را تایید می‌کردند و تنها در مورد چگونگی اجرای این سیاست هنوز به مخالفت خود ادامه می‌دادند.

ریگان برای اینکه مساله را خاتمه دهد دو تن از دستیاران خود یعنی پوپین دکستر (مشاور امور امنیت ملی) و نورث معاون او را از کار برکنار کرد ولی در همین اثنا مساله مهم دیگری نیز رو شد که رسوایی رژیم جمهوری اسلامی را دو چندان کرده معلوم شد که رژیم جمهوری اسلامی پول سلاحهایی را که از آمریکا دریافت می‌کرد از طریق یک بانک سوئیس و یا به حساب ضدانقلابیون مخالف دولت

نیکاراگوئه می‌داده است و یا اینکه مستقیما به حساب سازمان سیا واریز می‌کرده است. بدین ترتیب رژیم جمهوری اسلامی علاوه بر ارتباط با امیرالیسم آمریکا به یکی از عمده‌ترین تامین کنندگان منابع مالی ضدانقلابیون نیکاراگوئه نیز تبدیل شد.

\* \* \*

پس از اینکه ابعاد روابط مخفیانه رژیم جمهوری اسلامی با امیرالیسم آمریکا و جزئیات آن هرچه بیشتر آشکار شد، جناح مخالف رفسنجانی در مجلس که موقعیت را مناسب یافته بود، تلاش کرد تا با بهره برداری از آن رفسنجانی و دولت موسوی را تضعیف کند. دیکو برای همه روشن شده بود که رفسنجانی با اجازه‌ی خمینی و موافقت دیکو سران رژیم رابطه با آمریکا را آغاز کرده بود. این مساله از اظهار نظرهای مختلف رفسنجانی در این مورد کاملا مشخص است. او برای نمونه اعلام کرده است که اگر آمریکا پولهای ایران را که در بانکهای آمریکا توقیف شده است آزاد کند و به ایران سلاح بدهد، آنگاه شرایط ایران برای برقراری رابطه با آمریکا فراهم شده است. او همچنین اظهار داشت که آمریکا برای جبران اشتباهات گذشته‌اش، هیات آمریکایی را به ایران کسبل داشته بود.

رجایی خراسانی، نماینده رژیم در سازمان ملل، نیز طی مصاحبه‌ای اعلام داشت که ارسال سلاحهای آمریکایی به ایران "گام مثبتی" در سیاست دولت ریگان نسبت به جمهوری اسلامی محسوب می‌شود. ساداتیان، کاردار سفارت رژیم در لندن، نیز نظر مشابهی در مصاحبه با بی‌بی‌سی اعلام داشت. بنا بر این از شواهد امر چنین برمی‌آید که رفسنجانی به همراه عناصری همچون رجایی خراسانی، ولایتی (وزیر امور خارجه)، محمد علی هادی (رئیس کمیسیون امور خارجه‌ی مجلس که بنا

به گزارش مجله‌ی "الشراع" او نیز با مک فارلین در تهران مذاکره کرد) و غیره با تایید خمینی وارد مذاکره با آمریکا شدند. ریگان نیز در نطق تلویزیونی خود از اینان به عنوان عناصر "میانرو" در حکومت اسم می‌برد و اعلام می‌کند که هدفش تقویت آنان بوده است. رفسنجانی عم در پاسخ به این گفته‌ی ریگان بود که در نماز جمعه‌ی ۲۸ نوامبر (۷ آذر) اعلام می‌دارد که در ایران جناح میانرو وجود ندارد، بلکه همه‌ی مسئولان رژیم میانرواند.

جناح مخالف رفسنجانی در جلسه‌ی ۲۵ آبان (۱۶ نوامبر) مجلس ارتجاع برای زیر ضرب بردن او سئوالی را با امضای ۸ تن از نمایندگان در مورد "مساله‌ی ارتباط با آمریکا" مطرح ساخت و از وزیر امور خارجه خواست تا در جلسه‌ی علنی مجلس به آن پاسخ گوید. بخشهایی از سئوال چنین است:

"۱- ارتباط با دولت آمریکا... در چه سطحی صورت پذیرفته است؟" "چه مقام یا مقاماتی تصمیم به این تماس و ارتباط گرفتند؟" "۳- به طوریکه شنیده می‌شود افرادی خارج از کادر وزارت امور خارجه با هیات آمریکایی تماس گرفته و مذاکره نموده‌اند لطفا اعلام دارید که این افراد ماموریتی از جانب وزارت امور خارجه داشته‌اند یا خیر و در صورتی که پاسخ منفی باشد مجوز قانونی تماس و ارتباط افراد مذکور کدام است؟" "۴- جریان سفر هیات آمریکایی به ایران به چه صورت و با چه کیفیتی صورت پذیرفته و چه کسانی در ایران با آنها مذاکره نموده، مجوز مذاکرات چه بوده و مذاکرات به چه تصمیماتی منجر گردیده است؟" "۸- نماینده‌ای که این سئوال را امضا کردند عبارتند: از حسین سیرجانی، جلال‌الدین فارسی، نیکروش، سید محمد خامنه‌ای، موسویان، برغانی، فهیم کرمانی، و اسرافیلیان. متن این سئوال در روزنامه‌ی رسالت ۲۶ آبان چاپ شد.

از محتوای سئوال فوق کاملا پیداست که این نمایندگان انجام گرفتن مذاکره با مك فارلین و هیات همراه او را مسلم فرض کرده‌اند و طبق بند ۳ سئوال خود حتی می‌دانند که افرادی در خارج از کابرد وزارت امور خارجه ( اشاره به رفسنجانی ) آنرا پیش برده‌اند. و منظور آنان از طرح سئوال صرفا برای تضعیف جناح رفسنجانی است. ضمنا باید به یاد داشته باشیم که این سئوال در موقعی طرح می‌شود که رفسنجانی صریحا انجام هر گونه مذاکره با هیات آمریکایی را نفی کرده است.

بدین ترتیب تضاد بین جناحهای رژیم دوباره حاد می‌شود. حضور ولایتی در مجلس و اقدام او به پاسخ به سئوال فوق می‌توانست ارکان رژیم را به لرزه در آورد. از این رو دخالت خمینی در این ماجرا کاملا ضروری شد تا بر روی مساله سرپوش گذاشته شود. او در روز پنج شنبه ۲۹ آبان طی نطقی ابتدا به تکرار داستان مضحك رفسنجانی در مورد سفر مك فارلین به ایران می‌پردازد و وقیحانه اعلام می‌کند که "بی‌اعتنایی ایران به کاخ سفید از تمام پیروزیهای ملت بالاتر است". او سپس ۸ نماینده‌ی مجلس را مستقیما مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌گوید: "لحن شما در آن چیزی که به مجلس دادید از لحن اسراییل تندتر است از لحن خود کاخ نشینان آنجا تندتر است. شما چه شده است این طور شدید؟ من بعضی‌تان را می‌شناسم، شما این طور نبودید." "چرا می‌خواهید بین سران کشور تفرقه ایجاد کنید؟ چرا می‌خواهید دودستگی ایجاد کنید؟ چه شده است شما را؟ کجا دارید می‌روید؟" او سپس به تهدید آنان می‌پردازد و اخطار می‌کند: "شما دل مسئولین ما را نشکنید، شما عی تندرو و کنزرو درست نکنید، دودستگی ایجاد نکنید، این خلاف اسلام است، نکنید این کارها را!"

به دنبال این نطق شدیدالحن خمینی، طرفداران جناح رفسنجانی بار دیگر جانی تازه گرفتند و حملات خود را علیه جناح مقابل آغاز کردند. در ابتدا روزنامه‌ی جمهوری اسلامی طی سلسله مقالاتی این ۸ نفر نماینده را شدیداً مورد انتقاد قرار داد و آنان را دچار بیماری "شیطان زدگی" (!؟) اعلام کرد. سپس نامه‌ای با امضای "جمع کثیری از نمایندگان مجلس" برای خمینی ارسال شد که در بخشهایی از آن آمده است: "این حرکت از عمان طیفی سر زده که مدتها است در جهت تضعیف دولت اسلامی از طریق انتشار مطالب خلاف یا تحریفانه در روزنامه وابسته به خود موضع گیریهای منفی در مجلس دفاع از یولداران و از همه قبیحتر و ناخوشودنی‌تر ایجاد نفاق بین نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در شرایط جنگی به توطئه‌های کوناگون متمسک شده اند..."

۸ نماینده‌ی فوق به دنبال این حملات خمینی و جناح رفسنجانی طی نامه‌ای در ۲ آذر سئوال خود را پس گرفتند. بدین ترتیب جنگ دو جناح اصلی رژیم بر سر سفر مک فارلین به تهران با عقب نشینی جناح مخالف دولت قطع شد.

\* \* \*

نقش دولت اسراییل در نزدیکی بین رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیسم آمریکا بسیار اساسی بوده است. طبق گزارشهای موجود اولین تماسهای بین نمایندگان رژیمهای ایران و آمریکا با واسطگی اسراییلی‌ها برقرار شد. خود دولت اسراییل از سال ۱۹۸۲ به طور ممتد تسلیحات جنگی رژیم را تامین کرده است و اسناد این رابطه در گذشته بارها افشا شده است. به دنبال بر ملا شدن روابط سری ایران و آمریکا نیز دولت اسراییل در تاریخ ۲۶ نوامبر رسماً اعلام کرد که بنابه درخواست دولت ریگان در ارسال سلاحهای آمریکایی به ایران

دست داشته است. دلایل اسراییل در تغذیه‌ی تسلیحاتی رژیم و تقویت آن را می‌توان به طور خلاصه چنین بیان کرد: ۱- علاقه به تداوم جنگ بین دولتهای ارتجاعی ایران و عراق؛ ۲- نفع اقتصادی حاصل از فروش تسلیحات، به ویژه آنکه بسیاری از سلاحهایی که اسراییل به ایران می‌فروشد، کهنه‌اند و ارزشی ندارند؛ ۳- دشمنی با دولت عراق به عنوان یکی از دولتهای عربی در حال جنگ با اسراییل. دولت اسراییل می‌داند که برای اعراب مساله‌ی فلسطین يك مساله‌ی حیاتی است، در صورتی که رژیم جمهوری اسلامی بیشتر با یهودیت مخالف است تا با صهیونیسم؛ ۴- کمک به پیشبرد سیاست آمریکا به عنوان دوست استراتژیک اسراییل. اسراییل نیز نهایتاً مثل آمریکا و کشورهای دیگر امپریالیستی نمی‌خواهد رژیم جمهوری اسلامی از غرب دور شود؛ ۵- وضعیت یهودیان ایران، و جز اینها.

\* \* \*

نتیجه‌گیری می‌کنیم: وجود رابطه بین رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیسم آمریکا تعجب‌آور نیست. امپریالیسم آمریکا از اهمیت استراتژیک ایران آگاه است و نمی‌خواهد به هیچ وجه آن را از دست بدهد. ریگان حاضر است حتی به قیمت به خطر انداختن موقعیت خود و بسیاری از نزدیکانش با رژیم رابطه برقرار سازد و در مقابل تمام فشارها هنوز از حرکت خود دفاع کند. رژیم جمهوری اسلامی نیز چون يك رژیم سرمایه‌داری اساساً نمی‌تواند از مدار امپریالیسم جهانی خارج شود. از سوی دیگر، سران دوراندیش رژیم با وخیم شدن اوضاع کلی جامعه در فکر یافتن متحدان قدرتمندی اند تا خود را از توفان انقلاب در پیش توده‌ها در امان نگه دارند. ولی اگر رژیم شاه توانست با چنین تدبیرهایی خود را حفظ کند، رژیم جمهوری اسلامی نیز خواهد توانست.



کشتی Marie T.H که قبلا با نام Vibeke Vesta به ایران اسلحه حمل می‌کرد، ولی در اثر شناخته شدن مجبور به تغییر اسم شد.

انریک برلو معاون اتحادیه می‌شد تعجب کردند. خصوصا اینکه ملوانان دانمارک طی یک مصاحبه مقامات کمرکی اسرائیل تا به حال مطبوعاتی گفت کارکنان کشتی‌های منکر عر کونه ارتباط با این محموله باربری از اینکه کلاعی مسقیما از و بارگیری این کشتی در بنادر اسرائیل بندر ایلات اسرائیل به ایران فرستاده بودند. □

## مرجعین شیوه جدیدی به آرشو تجارب ضدانقلابی افزودند

تدوین شده بود. اگرمی مزدور می‌گوید: "طی دو ماه آینده در اجرای برنامه جدید شورای عالی آموزش و پرورش با تهیه معیارها و ضوابط مربوطه در سه مقطع تحصیلی برای عر یک از دانش آموزان علاوه بر کارنامه آموزشی یک کارنامه پرورشی نیز داده خواهد شد. در اجرای این طرح تمامی اخلاق، آداب و معاشرت اجتماعی و رفتار دانش آموزان در نظر قرار گرفته و برای اخذ نحوه انضباط معیارعانی تعیین خواهد شد." □

در حالی که تمامی تلاشهای رژیم به منظور تحت کنترل درآوردن دانش آموزان در طی چند سال گذشته به شکست انجامیده است، اگرمی وزیر آموزش و پرورش ارتجاع اتخاذ شیوهی ضدانقلابی جدیدی راحت نام "کارنامه پرورشی" از سوی رژیم اعلام می‌کند. این حربه در واقع شکل عریان‌تر و ردیلانه‌تر تشکیل "پرونده تحصیلی" برای دانش آموزان در دوران رژیم پهلوی است، که به منظور منع آنان از شرکت جستن در فعالیتهای سیاسی

## کارگران دانمارک

### روابط ایران و اسرائیل را افشا کردند

اتحادیهی دریانوردان دانمارک در جریان افشای اخبار و جزئیات ارسال اسلحه‌های آمریکایی از طریق اسرائیل به جمهوری اسلامی، نقش مهمی ایفا کرده‌اند. هم‌زمان با افشاکریه‌های نشریهی لبنانی در مورد سفر مک فارلین به ایران، اعضای این اتحادیه، اخبار ارسال اسلحه از بندر ایلات اسرائیل به بندر عباس را در اختیار رسانه‌های خبری گذاشتند. سخنگوی این اتحادیه اعلام داشت که شرکت کشتی‌رانی اسوندبرگ انترپرایز (Svendberg - Enterprise) تا به حال حداقل ۴ بار اسلحه از اسرائیل به ایران منتقل کرده است.

روز پنج شنبه ۳۰ اکتبر رهبر اتحادیهی ملوانان دانمارک طی تلکسی به وزارت صنایع این کشور، ضمن اعتراض به همکاری شرکت‌های حمل و نقل دانمارکی در امر تجارت اسلحه به ایران، اطلاع داد که کشتی Marie T.H که از طریق بنادر تالامونه در ایتالیا و پیراکوس در یونان به اسرائیل رفته و در حال حاضر به سمت مقصد خود یعنی بندر عباس در حرکت است، محموله‌ای از اسلحه برای ایران حمل می‌کند.

وزیر صنایع دانمارک پس از دریافت این تلکس دستور توقف کشتی مزبور را صادر کرده و از صاحبان آن خواست که کشتی را به دانمارک بازگردانند. در پی افشای این روابط، عدهی زیادی از نمایندگان پارلمان دانمارک لایحه‌ای مبنی بر غیر قانونی کردن استفاده از کشتی‌های دانمارکی برای ارسال اسلحه به ایران را پیشنهاد کردند.

## اسرائیل:

### ارسال اسلحه به ایران به دستور آمریکا بوده است

به دنبال افشای روابط گسترده‌ی تسلیحاتی آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی و ارسال درآمدهای ناشی از این روابط به ضدانقلابیون نیکاراگوئه، دولت اسرائیل از سوی جناحهای مخالف در این کشور، شدیداً مورد انتقاد قرار گرفته است.

شیمون پرز، نخست وزیر سابق این کشور، در جواب به انتقاد کنندگان اظهار داشت که "ارسال محموله‌های اسلحه از سوی اسرائیل با مقاصد اخلاقی و انسان دوستی و به خاطر

آزادی گروهک‌های آمریکایی در لبنان صورت گرفته است."

در بیانیه‌ی رسمی‌ای که از سوی دولت اسرائیل در همین رابطه صادر شده است گفته شده که محموله‌ها تنها حاوی "سلاحهای دفاعی" و "قطعات یدکی" بوده و به درخواست دولت آمریکا به ایران ارسال شده اند.

دولت اسرائیل در این بیانیه عمر کوتاه اطلاع از ارسال درآمد این قراردادها به ضدانقلابیون نیکاراگوئه را تکذیب کرده است. □

## مرزهای جنایتکاری

### در حکومت اسلامی بی آنها است

روزنامه‌ی "رسالت" طی سلسله مقالاتی تحت عنوان "رهبری، جنک و صلح" به تشریح ماهیت جنایتکار حکومت اسلامی می‌پردازد. در شماره‌ی مورخ ۶ آبان این روزنامه نوشته شده است: "جنک در عر شکلی مستلزم کشته شدن از دو طرف و خسارات مالی و بمب گذاری و تخریب و ترور خواهد بود ... فتوای فقهاء اسلام بر اینست که پیرمرد و پیرزن و کودک مسلمانی که بعنوان سنکر و سیر مورد استفاده دشمن قرار می‌گیرند کشتن آنها جایز بلکه واجب است و در عین حال شواب شهید در راه خدا را خواهند داشت."

دلیل آنها واضح است زیرا اینگونه افراد بعنوان مقدمه دفاع از اسلام کشته شده‌اند و در اثر این قتل اسلام پیش رفته است، البته این در حالی است که با اگرآه بمیدان آورده شده و کسی را بعنوان دفع قتل از خود نکشته باشند." همین روزنامه در شماره‌ی رسالت ۴ آبان خود بعد از برشمردن یک سری از "خیرات" جنک مینی بر اینکه "در ادامه جنک تا پیروزی، مردم ما ساخته و آبدیده می‌شوند ... انقلاب صادر می‌گردد، فرهنگ شهادت و شهامت جای خود را باز می‌کند، صنایع اسلحه‌سازی و غیر آن توسعه می‌یابد" این سؤال را طرح می‌کند: "آیا باز هم جایز است دست از جنک برداریم؟" احمد آذری قمی نویسنده‌ی مزدور این مقالات به سؤال خود چنین پاسخ می‌دهد: "قطعی است که نمی‌توانیم و در پیشگاه خدا، و خلق خدا محکوم هستیم کرچه میلیونها و میلیاردها به جیب اسرائیل و شوروی هم برود."

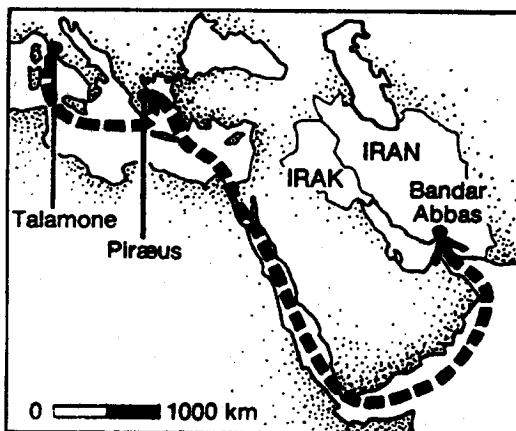
### سه دیپلمات ایتالیایی از ایران اخراج شدند

روز ۲۷ نوامبر، وزارت امور خارجه رژیم اعلام داشت که در اعتراض به یک برنامه‌ی کمدی در تلویزیون ایتالیا سه تن از دیپلماتهای ایتالیایی را از ایران اخراج خواهد کرد.

سفارت رژیم جمهوری اسلامی در رم برنامه‌ی مذکور را که در رابطه با افشا

گریهای اخیر از روابط تسلیحاتی ایران با آمریکا و اسرائیل تهیه شده بود "کفرآمیز" و "توهین به مقام امام" دانسته است.

در همین رابطه وزارت امور خارجه نیز سفیر خود را از رم فرا خوانده است. □



کشتی‌های دانمارکی برای حمل سلاحهای اسرائیلی به ایران از بندر ایتالیایی نیز استفاده می‌کردند. نقشه‌ی روبرو این مسیر را نشان می‌دهد. البته دولت ایتالیا اعلام کرده است که از این مساله خبری نداشته است.



## اعتراضات رانندگان،

### مزدوران رژیم را

#### به 'عذرخواهی' واداشت

کشته‌ی اعتراضات توده‌ای، به ویژه رانندگان زحمتکش تاکسی و وانت‌بارها که بیشترین آسیب را به دلیل کوفتی شدن بنزین متحمل گشته‌اند، سران رژیم را به وحشت انداخته است. آقازاده وزیر نفت مزدور رژیم طی مصاحبه‌ای ابعاد این وحشت را به نمایش می‌گذارد. او در این مصاحبه در حالی که سعی می‌کند علت کمبود بنزین را به نیت به اصطلاح خیرخواهانه‌ی مزدوران ربط دهد به "عذرخواهی" از توده‌ها می‌پردازد. او می‌گوید: "ازحما صفهای طولانی در مقابل پمپ بنزینها علتش پائین آمدن اکتان پالایشگاه تهران بود که در وضعیتی، بنزین برای وسائط نقلیه مضر خواهد بود لذا مسئولین وزارت نفت فقط در چارچوب استاندارد های لازم بنزین تحویل می‌دهند و آنها حاضر نشدند بنزینی که در درجه اکتان پائین آمده را به مردم تحویل بدهند... مشکلات یاد شده که منجر به صفهای طولانی در پمپ بنزین گردید مشکلاتی از قبیل مسائل فنی و عدم دقت، امر ابطال کوفتها بود که من به نوبه خودم از مردم عذرخواهی می‌کنم که در این چند روز با مشکلات تهیه بنزین مواجه شدند." □

عمین مزدور در مقاله‌ی مورخ ۷ آبان نیز پاسخ مزبور خود را به شکل دیگری طرح می‌سازد. او می‌نویسد: "باید با خرید یا عاریه یا اجاره اسلحه دشمنان را مقهور و رزمندگان اسلام را تقویت نمائیم ولو مجبور باشیم نفت را ارزان فروخته و به چند برابر قیمت اسلحه تهیه نمائیم." □

## اعتراف خامنه‌ای به سیر صعودی اعتیاد، سرقت و فحشا

اعتیاد، سرقت، فساد و ... از فرآورده‌های اجتماعی نظام سرمایه‌داری هستند. در سایه‌ی حکومت دولتمردان اسلام این موارد در مقایسه با دیگر جوامع سرمایه‌داری ابعاد غیرقابل کنترلی به خود گرفته‌اند. کهنترش روز افزون پدیده‌های فوق توده‌ها را که به درستی رژیم جمهوری اسلامی را عامل انحطاط تمام عیار جامعه می‌دانند، در برابر رژیم قرار داده است.

از این رو خامنه‌ای در دیدار با جمعی از مزدوران رژیم، آنها را به چارمجویی در مقابله با موج نارضایتی توده‌ها فرا می‌خواند. وی می‌گوید:

"مسئله مواد مخدر یکی از مسائل مهم جامعه ما می‌باشد ... چندی قبل دفتر ما بر اساس بولتن‌های وزارت اطلاعات، ژاندارمری، کشور، شهربانی و ... آماری تهیه و بر اساس موضوعاتی چون سرقت، سرقت مسلحانه، قتل، بکارگیری مواد منفجره و ... منحنی‌هایی رسم نموده بود. توجه به منحنی‌ها نشان میداد که غیر از چند مورد موارد دیگر در مقایسه با سال قبل، سیر صعودی داشته است، (اگرچه منحنی در نقاطی نیز سیر نزولی داشته است) که نمایانگر سیر صعودی ناامنی در کشور بود و با توجه به کمبودهایی که در کشور وجود دارد، اگر مردم در زمینه امنیت عمومی نیز احساس ناامنی نمایند برای آنان غیر قابل تحمل خواهد بود." □

## توافق بین رژیم و امپریالیسم فرانسه

ورشکستگی تمام عیار رژیم در کلیه‌ی زمینه‌ها اهمیت کم‌های عرجه بیشتر و عریان‌تر امپریالیستها را برای رفایی از وضعیت موجود صد چندان ساخته است. از این رو کلیه‌ی "شیطان"‌های ریز و درشت به منظور پاسخگویی به نیازهای رژیم به تلاش‌های خود افزوده‌اند. در این بین امپریالیسم فرانسه به منظور جبران چند سال عقب ماندگی از دیگر امپریالیستها در سهم‌بری از خوان نهما توده‌های زحمتکش ایران، تلاش بیشتری در نزدیکی با جمهوری اسلامی به عمل می‌آورد.

روزنامه‌ی رسالت مورخ ۵ آبان ماه به نقل از یک مجله‌ی عربی زبان در رابطه با توافق جدید بین رژیم

جمهوری اسلامی و امپریالیسم فرانسه می‌نویسد:

"گفتگوهایی که دو کشور برای حل مشکلات مالی فی مابین انجام دادند به بستن توافقی منتهی شده است که بندهای آن از سوی دو کشور مسکوت مانده است. منابع دیپلماتیک غرب در ادامه می‌گویند این توافق تجهیز ایران به انواع معینی از سلاحها و همکاری عسکری مشترک برای تکمیل بعضی از طرحهای عسکری در ایران را در بر دارد به علاوه بر اینکه طبق این توافق پاریس بخشی از قرضهای خود را به ایران به صورت ارز پرداخت می‌کند. به اضافه بعضی از تجهیزات صنعتی مهم را به ایران صادر می‌نماید." □

گزارش زیر در مورد اعتراضهای خانوادههای زندانیان سیاسی زندان اوین را یکی از شاهدان عینی واقعه برای درج در جهان در اختیار ما گذاشته است.



از زبان یک شاهد عینی:

## اعتراض خانوادههای زندانیان سیاسی زندان اوین در روز ۱۷ آبان

در روز ۱۷/۸/۶۵ تعدادی از خانوادههای زندانیان سیاسی برای ملاقات عزیزانشان به زندان اوین مراجعه می‌کنند. مسئولان زندان اسامی يك عده را خوانده، اعلام می‌کنند که ملاقات ندارند. خانوادهها اعتراض کرده و علت را می‌پرسند. هر يك از مسئولین زندان جوابی می‌دهد. ولی خانوادهها دست از اعتراض نکشیده و خواهان ملاقات می‌شوند. رئیس زندان به میان خانوادهها آمده، می‌گوید بچه‌های شما در بند اغتشاش کرده و درصدد چاقوکشی و ضرب و شتم پاسداران و مسئولین زندان برآمده‌اند. فقط اسامی‌ای که خوانده شد ملاقات دارند. یکی از مادران که برای ملاقات

فرزندش می‌رود علت را از او می‌پرسد، و زندانی مزبور نیز تمام حوادث زندان را تعریف می‌کند و از مادرش می‌خواهد که تمام این مسایل را به گوش خانوادهها برساند. زندانی اظهار می‌دارد که شب هنگام ماموران زندان به داخل بندها ریخته و تمام بچهها را زیر باد کتک و شلاق گرفته و به آزار و اذیت آنان می‌پردازند و بیشتر بچهها را زخمی می‌کنند و دست و پا و دندانهایشان را می‌شکنند. این بچهها حالا در آسایشگاهی که هیچ وسیله و امکاناتی ندارد، نگهداری می‌شوند. تمام بچهها مریض و زخمی و بدون دوا و درمان و وسیله گرم کننده و بدون غذا در آسایشگاه نگهداری می‌شوند. تمام این مسایل به گوش خانوادهها رسیده و آنان شروع به اعتراض می‌کنند و که این همه دروغ و پستی برای چه. بچه‌های ما چاقو از کجا آوردند. مگر نه این است که تمام وسیله‌هایی که برای بچهها می‌آوریم از زیر دست شما به بچه‌های ما می‌رسد. یا اینکه خودتان این چاقوها را به دست زندانیان داده‌اید، که این عم نمی‌تواند درست باشد. ولی رئیس زندان می‌گوید که ما حدود ۳۰۰ الی ۴۰۰ چاقو از دست آنها گرفته‌ایم.

بعد از يك سری اعتراض مسئول زندان می‌گوید که بچه‌های شما خودشان به ملاقات نمی‌آیند. خانوادهها اعتراض می‌کنند که پس چرا تا حالا می‌آمدند؟ امروز چه شده که بچه‌های ما حاضر به ملاقات نیستند. رئیس زندان می‌گوید که بچه‌های شما حاضر نیستند توابعین را برای مسئولیت بندها بپذیرند. خانوادهها می‌گویند که چرا توابعین را برای اداره بندها گذاشته‌اید؟ خودتان این کار را به عهده بگیری. رئیس زندان می‌گوید اینجا من رئیس زندان هستم و باید تشخیص بدهم نه شما. بعد از يك سری بگو مگو و يك سری اعتراضات

خانوادهها به سوی مجلس روانه می‌شوند. نماینده‌ای حاضر می‌شود با آنها حرف بزند و قول مساعدت می‌دهد. ولی باز خانوادهها به سوی قم حرکت کرده و به دفتر منتظری مراجعت می‌کنند. نماینده‌ی منتظری می‌گوید ما اقدام می‌کنیم و عفته‌ی آینده برای جواب بیايید.

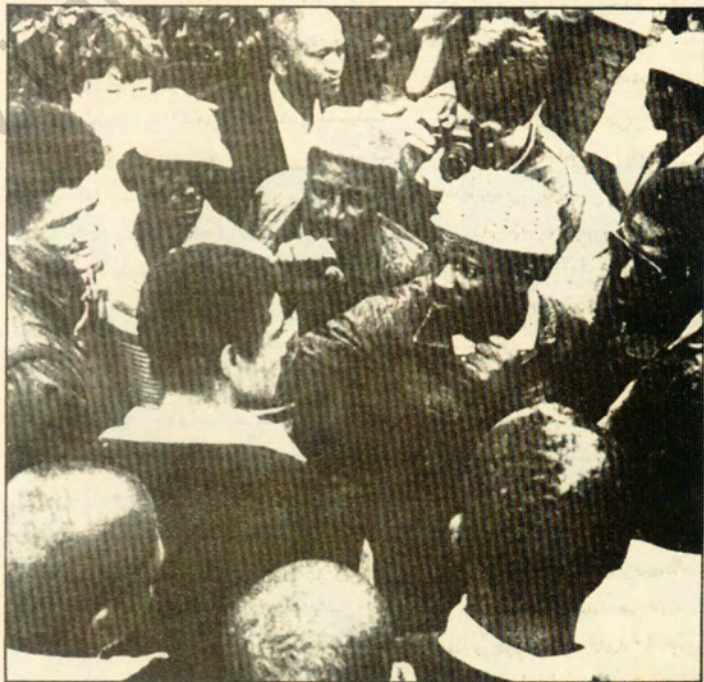
خانوادهها که تعدادشان به ۵۰۰ الی ۶۰۰ می‌رسید دوباره به سوی مجلس بازگشته و بست می‌نشینند. کثرت جمعیت به قدری بوده که از پاسداران نماینده‌ای به میان خانوادهها آمده و از آنها می‌خواهد که به داخل مجلس رفته و آنجا جمع شوند و در بیرون جمع نشوند. خانوادهها قبول نمی‌کنند. نماینده می‌گوید به داخل مجلس بیايید که آقای رفسنجانی می‌خواهد با شما حرف بزند. ولی باز قبول نمی‌کنند. آنان خواسته‌های خودشان را نوشته و دو نماینده انتخاب و به مجلس می‌فرستند که این دو نماینده را بازداشت و به زندان اوین می‌برند و بعد از چند ساعتی بر اثر اعتراض شدید خانوادهها مجبور می‌شوند این دو مادر را آزاد کنند. از جمله خواسته‌های خانواده‌های زندانیان سیاسی، رسیدگی به وضعیت ۱۵ نفر که مجروح و مصدوم در آسایشگاه بدون هیچ امکان نگهداری می‌شدند و رسیدگی به چگونگی بروز درگیری در زندان و همچنین رسیدگی به وضعیت غذایی است. ( لازم به تذکر است که زندانیان مدتی است که تغذیه‌ای که بشود اسم تغذیه به آن گذاشت ندارند. سه وعده غذای آنها فقط نان خالی و خیار یا کوجه فرنگی است. چون بنا به گفته‌ی مسئولین نه پنییری و نه گوشته پیدا می‌شود که برای آنها غذای گرم تهیه کنند.) هنوز به وضعیت این زندانیان رسیدگی نشده و مادران به مبارزات خود در جلوی دادگستری ادامه می‌دهند. ■

کارگران کارخانه موتورز در آفریقای جنوبی دست به اعتصاب زدند

در ماه گذشته بیش از ۳۰۰۰ کارگر کارخانه جنرال موتورز، واقع در پورت الیزابت در آفریقای جنوبی، در اعتراض به تصمیم صاحبان کارخانه مبنی بر فروش تعداد زیادی از شعبات این مجتمع به سرمایه‌داران این کشور، دست به اعتصاب زدند. کارگران با درک این واقعیت که پیامدای این تصمیم، لغو حقوق بازنشستگی، عدم پرداخت غرامت در اثر سانحه کار و جز اینها است، اعتراضات خود را گسترش دادند. در روز دوشنبه ۱۷ نوامبر نزدیک به هزار نفر از آنان با اشغال کردن دو محوطه بزرگ این مجتمع، از ورود کارگران خود فروخته به کارخانه جلوگیری کردند. یک پارچگی کارگران در دفاع از خواسته‌هایشان و پیگیری آنان در ادامه اعتصاب،

مدیریت کارخانه را وادار کرد که از پلیس آفریقای جنوبی جهت بیرون کردن کارگران از محوطه کارخانه، تقاضای کمک کند. پلیس فاشیست این کشور با یورش وحشیانه به صفوف کارگران اعتصابی، آنان را مورد ضرب و شتم قرار داد و ۱۶ نفر از کارگران را دستگیر کرد. تا کنون ۵۶۷ نفر از کارگران اعتصابی به وسیله مدیریت کارخانه اخراج شده‌اند.

لازم به تذکر است که بعد از تعطیل شدن کارخانه ماشین سازی فورد که در سال گذشته انجام گرفت، تعداد بیکاران شیاه‌پوست در این منطقه به ۵۰ درصد رسیده و این حرکت کارگران با توجه به بیکاری شدید، یکی از مهم‌ترین اعتراضات کارگری این بندر در چند ماه اخیر بوده است. □



کارگران اعتصابی جنرال موتورز از ورود عناصر خود فروخته به محوطه کارخانه جلوگیری می‌کنند.

"شین فین" تصمیم به شرکت در پارلمان ایرلند گرفت

روز یکشنبه، ۲ نوامبر، کنگره‌ی سازمان "شین فین"، شاخه‌ی سیاسی ارتش جمهوری خواه ایرلند، با بیش از دو سوم آرا پیشنهاد کمیته‌ی مرکزی این سازمان مبنی بر دست کشیدن از تحریم مجلس ایرلند جنوبی را تصویب کرد. سی نفر از نمایندگان شرکت کننده در کنگره با ترک جلسه و برگزاری یک مصاحبه مطبوعاتی تشکیل سازمان جدیدی به نام "شین فین جمهوری خواه" را اعلام کردند. مفسران سیاسی معتقدند، "شین فین جمهوری خواه" حدود ۱۳۰ نفر عضو خواهد داشت. اما ارتش جمهوری خواه حمایت خود از موضع رعب‌بری شین فین را اعلام کرده است و سازمان جدید، در حال حاضر شاخه‌ی نظامی ندارد. تا به امروز "شین فین" از به رسمیت شناختن مجلس ایرلند جنوبی خودداری کرده بود و تنها مجلسی را قانونی می‌دانست که در آن نمایندگان شمال و جنوب ایرلند شرکت داشته باشند. تصمیم کنگره‌ی اخیر "شین فین"، پیروزی بزرگی برای رهبران "شین فین" خصوصاً "جری آدامز" به شمار می‌رود که ضمن تایید و تقویت مبارزه‌ی مسلحانه عقیده دارند باید به مبارزات سیاسی نیز اعمیت داد. در همین رابطه "دانی مورین" از رهبران "شین فین" در شهر بلفاست، مبتکر شعار "در یک دست سلاح و در دست دیگر برکمی رای" است. در آخرین انتخابات ناحیه‌ای در ایرلند جنوبی، "شین فین" بیش از ۴۰ درصد از آرای ناسیونالیست‌ها را به دست آورده بود. جری آدامز رهبر این جریان معتقد است که حزب وی می‌تواند با داشتن نمایندگانی از حوزه‌های کارکنشین دابلین در پارلمان، در اوضاع سیاسی ایرلند جنوبی نقش فعال‌تری ایفا کند. □

## سیاستهای جدید دولت ژاپن برای

### تضعیف اتحادیه‌های کارگری

سیاست دولت دست راستی، حزب لیبرال دموکرات در ژاپن، مبنی بر برگرداندن بسیاری از صنایع دولتی به سرمایه‌داران خصوصی، باعث بیکاری تعداد زیادی از کارگران این صنایع شده است. همچنین دولت ژاپن تصمیم دارد سهام شرکتهای تلفن و تلگراف، صنایع نخانیات، عوایمیایی و راه آهن سراسری این کشور را به معرض فروش گذارد. یکی از هدفهای دولت ژاپن در اجرای سیاست برگرداندن صنایع مهم به سرمایه‌داری خصوصی حمله به اتحادیه‌های کارگری، خصوصا اتحادیه ملی کارگران سوسیالیست (SOHYO) است که عضویتی بالغ بر چهار و نیم میلیون نفر در بخش دولتی دارد.

کارگران بخش خصوصی ژاپن اکثرا یا عضو فدراسیون کارگری DOME هستند، که سیاستهای سازشکارانه‌ای را دنبال می‌کند و یا عضو سندیکای چوریتسروون (CHURITSUROEN)، که یک سندیکای کاملا غیر سیاسی است. از ۴۳ میلیون کارگر ژاپنی تنها ۲۰ درصد از آنان عضو اتحادیه‌های کارگری هستند که این رقم شامل اعضای سندیکا‌های زرد نیز هست.

کنفدراسیون کارفرمایان ژاپن، موفق شده است با تهدید کارگران به بیکاری و استفاده از بحران اقتصادی، سطح عمومی حقوق کارگران را پایین نگم دارد.

در حالی که آمار بیکاری در ژاپن رو به افزایش است، دولت با استفاده از این حربه توانسته تعداد زیادی از کارگران را به ۶ روز کار در هفته

## مجازات مرك برای دانشجویان انقلابی



پلیس ضد شورشی کره جنوبی در حال تمرین

دانشجویان بار دیگر بهانه‌ی مناسبی به منظور شروع اعتراضات علیه نظام دیکتاتوری چان شد. در ماه اخیر دانشجویان اکثر دانشگاهها با برپایی تظاهرات چندین هزار نفره و تحریم کلاسهای درس، نفرت خود را علیه رژیم سرمایه‌داری کره نشان دادند و خواستار آزادی رفقای خود شدند. یک سخنگوی دولتی اعلام کرد که بر طبق قوانین امنیت ملی احتمالا مجازات بعضی از این دانشجویان مرك خواهد بود. □

در اوایل ماه جاری بیش از ۲۰۰۰ تن از دانشجویان انقلابی کره جنوبی ساختمانهای دانشگاه گان کوك (Kon Kuk) را اشغال کردند و به مدت سه روز کنترل دانشگاه را در دست خود گرفتند. به دنبال این عمل دانشجویان، عزاران تن از نیروهای نظامی دولت وابسته به امپریالیسم "چان" با استفاده از هلی‌کوپتر و دیگر تجهیزات نظامی به دانشجویان حمله بردند و بیش از ۱۲۰۰ تن از آنان را دستگیر کردند. دستگیری این

و حتی در صورت امکان از کار بیکارشان می‌کنند. در مراکز صنعتی‌ای عم که اتحادیه‌های کارگری شکل گرفته و کارگران حاضر نیستند به سندیکا‌های زرد بپیوندند، کارفرما با ادعای ورشکستگی، کارگران زیادی را از کار بیکار و تولید را به منطقه‌ی دیگری منتقل می‌کند. □

و اداره حتی دولت و کارفرمایان ژاپنی درصددند در مقابل فشارهای اتحادیه‌های کارگری برای تقلیل ساعات کار، مقاومت کنند.

سرمایه‌داران ژاپنی با استفاده جویی از ضعف اتحادیه‌های کارگری از حقوق فعالین این اتحادیه‌ها کاسته و آنها را به کارهای دشوار و آمی‌دارند

## چشم‌انداز ائتلاف بین الفتح و جبهه خلق برای آزادی فلسطین

بنا به گزارش منابع خبری غرب اخیراً نشست‌های بین خلیل‌الوزیر، معروف به ابوجهاد، فرماندهی نظامی الفتح و دکتر جرج حبش رهبر جبهه‌ی خلق برای آزادی فلسطین در پیراک، پایتخت چکسلواکی صورت پذیرفته است. مدف از این ملاقات، آماده ساختن چارچوبی برای ائتلاف دو سازمان مزبور گزارش شده است. وزیر و حبش در پایان دوره‌ی اول این مذاکرات هر دو عازم مسکو شدند.

گفته می‌شود که در صورت موفقیت این مذاکرات و ائتلاف دو سازمان الفتح، طرح صلح ملک حسین را رد خواهد کرد و در مقابل جبهه‌ی خلق برای آزادی فلسطین و برخی از جناح‌های نزدیک به آن که مراکزشان در سوریه است، به روابط خود با این کشور خاتمه خواهند داد و موضع دفاع از الفتح را اتخاذ خواهند کرد. از جمله توافقات حاصله در پیراک همکاری نزدیک طرفین جهت انجام

عملیات نظامی در مناطق اشغالی علیه نیروهای سرکوبگر اسرائیل و همچنین دفاع از مناطق استقرار پناهندگان فلسطینی در لبنان در مقابل حملات شیعیان است.

به نظر می‌رسد که یکی از دلایل اصلی نزدیکی جبهه‌ی خلق برای آزادی فلسطین با الفتح، تشدید حملات شیعیان امل علیه پناهندگان فلسطینی مستقر در لبنان و عدم مداخله‌ی سوریه در معارفت از این امر است. ثانیاً مدت‌هاست که جبهه‌ی خلق و شخص حبش علناً به سیاست سوریه در فبال سازمان آزادی بخش فلسطین و تضعیف این سازمان حمله می‌کنند. حمایت سوریه از جناح ابوموسی، رهبر جبهه‌ی خلق برای آزادی فلسطین - فرماندهی کل - ، و سیاست‌های انحلال طلبانه‌ی این جناح در فبال سازمان آزادی بخش از دیگر نکات مورد انتقاد جناح حبش است. □



عکسی از عرفات و حبش در گذشته‌ای نه چندان دور

## رژیم پرو

به رشد جنبش انقلابی در این کشور

## اعتراف می‌کند

یک سال قبل وزیر جنگ کشور پرو اعلام کرد که ۸۰ درصد مناطق چریک‌های راه درخشان مورد پاکسازی نیروهای نظامی قرار گرفته و چریک‌ها به طور وسیعی ایزوله شده‌اند. اما اطلاعات جمع آوری شده از سوی مرکز اطلاعات نظامی این کشور خلاف این ادعا را ثابت می‌کند. راه درخشان نه تنها از نقطه نظر سیاسی - نظامی توانایی‌های وسیع‌تری کسب کرده، بلکه پایگاه توده‌ای و دامنه‌ی عملیاتی آن نیز به طور چشم‌گیری وسعت یافته است.

راه درخشان در سال ۱۹۸۳ موفق به انجام ۲۵۰۵ فقره عملیات نظامی بزرگ و کوچک شد. این رقم در سال ۱۹۸۵ به ۳۰۷۹ فقره افزایش یافت. حیطه‌ی فعالیت این سازمان که چند سال قبل تنها محدود به دشت‌های مرکزی پرو می‌شد، امروز سراسر خاک این کشور را در بر گرفته است. تعداد عملیات در لیما، پایتخت پرو از ۶۳۷ فقره در سال ۱۹۸۳ به ۱۲۹۸ فقره در سال ۸۵ افزایش پیدا کرد. این سازمان توانسته است به جذب نیرو و بسط سازمان خویش در حیطه‌هایی فراتر از پایگاه سنتی آن یعنی محیط دانشگاه‌ها، بپردازد. گسترش شاخه‌ی نظامی راه درخشان در محدوده‌ی پایتخت در حالی که همچنان حضور نظامی خود را در مناطق مرکزی حفظ کرده است و علی‌رغم اشباع این مناطق از نیروهای دولتی، موفقیت عظیمی محسوب می‌شود.

راه درخشان همچنین در سال‌های گذشته از تاکیدش بر "حرکت از روستا" تا حدی کاسته، انعطاف ناپذیری سازمانی و تعهدات دکماتیک ایدئولوژیکی را کنار گذاشته است.

## اعتصاب غذای پیروزمند زندانیان سیاسی در ترکیه

۴۰ نفر از زندانیان سیاسی کمونیست در شهر یاردین واقع در شمال ترکیه به دنبال دو هفته اعتصاب غذای شکوهمند به این اعتصاب خاتمه دادند. اعتصاب کنندگان، که ۲۵ تن آنان را زنان تشکیل می‌دادند، با مبارزه‌ی یک پارچه خود موفق شدند مقامات زندان را در مقابل خواستهای خود مجبور به عقب نشینی سازند. پیروزی زندانیان و موفقیت آنان در امر تغییر قوانین زندان از چنان اعمیسی برخوردار بود که حتی جرایم وابسته به رژیم ترکیه نیز مجبور به اعلام آن شدند.

۱۶ نفر ایرانی که ۵ نفر آنان را زنان تشکیل می‌دادند هنگام عبور غیرقانونی از مرز ترکیه - یونان در حالی که سعی می‌کردند از رودخانه‌ی میریج عبور کنند توسط پلیس ترکیه دستگیر شدند. روزنامه‌های ترکیه خبر دستگیری ۱۸ تن دیگر از پناهندگان ایرانی را روز قبل داده بودند. چند روز قبل از این دستگیریها، چند تن از پناهندگان در عمین رودخانه

به رگبار بسته شدند و در حالی که ۴ تن از آنان زخمی و در حال غرق شدن بودند توسط پلیس یونان دستگیر شدند. شایعه‌ی کشته شدن این ۴ تن شدیداً قوت گرفته است. همچنین ۲۷ نفر از پناهندگان در اوایل ماه اکتبر در یونان دستگیر و به پلیس ترکیه تحویل داده شده‌اند. و تعدادی از آنان نیز در زندانهای یونان به سر می‌برند. □



## اعلام آتش بس در فیلیپین

در پی تشدید تضاد میان جناحهای مختلف دولت فیلیپین، روز یکشنبه ۲۳ نوامبر کوری آکینو رئیس جمهور این کشور پس از اطمینان از استقرار نیروهای ارتشی وفادار به رئیس جمهور در مراکز حساس پایتخت طی سخنرانی اعلام کرد: این اقدامات برای جلوگیری از عملی شدن طرح کودتای برخی از رعبران ارتشی، لازم بوده است. او از کلیه‌ی وزرای کابینه خواست تا از مسئولیتهای خود استعفا دهند تا او بتواند دولت جدیدی تشکیل دهد.

در پی عمین تغییر و تحولات، در روز ۲۶ نوامبر نماینده‌ی جبهه‌ی دموکراتیک خلق در مذاکره با دولت، اعلام کرد که ارتش نوین خلق طرح آتش بس بین نیروهای این سازمان و ارتش را پذیرفته است. طبق این توافق که از تاریخ ۱۰ دسامبر به اجرا در خواهد آمد طرفین درگیر در فیلیپین قوانین آتش بس را به مدت ۶۰ روز رعایت خواهند کرد. □



روستاییان و عضوگیری در میان آنان شده است. فعالیتهایی چون اجرای موسیقی فولکلور، برگزاری تئاتر و نمایشهای خیمه‌شب‌بازی و همچنین ترتیب دادن کلاسهای آموزشی برای داوطلبان امخانات ورودی دانشگاهها، زمینه‌ای برای جذب نیرو و گسترش توان نظامی فراهم ساخته‌اند. فعالیتهای نظامی این سازمان در مناطق شهری به ترتیب بر اساس سه محور زیر سازماندهی می‌شوند: ۱- برخورداری از حداکثر برد تبلیغاتی؛ ۲- ضربه وارد ساختن به فعالیتهای سیاسی رژیم چون انتخابات و جز اینها؛ ۳- جذب نیروی بیشتر. □

عضویت این سازمان که در گذشته اکثراً از دانشجویان دانشگاهی و طبقه‌ی متوسط تشکیل می‌شد امروز شامل بسیاری از طبقات دهقانی و حتی دهقانان بی‌سواد است.

نحوه‌ی سازماندهی درونی نیز تا حدود زیادی تفاوت کرده است. مرکزیت واقع در لیما امروز از قدرت و تمرکز بیشتری برخوردار است. سازماندهی درونی همچنین شامل تقسیم‌بندی هر شاخه به دسته‌های کوچکتر است. راه درخشان فعالیتهای آموزشی و فرهنگی خود را نیز وسیعاً گسترش داده و از این راه موفق به جلب